

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

یونس نگاه

۱۱ سپتمبر ۲۰۲۳



یونس نگاه

## حباب توهمات ملا هبت‌الله نیز خواهد ترکید

اگر فراموش کنیم که ملا هبت‌الله امیر طالبان در افغانستان است و تصور کنیم که پیام عیدی او از قندهار نه، بلکه از یک سرزمین ناکجاآباد و مرموز نشر شده که از چشم جهانیان دور مانده است، آنگاه متن خواندنی می‌شود و حس کنجکاوی را برمی‌انگیزد. توصیفی که او از امارتش کرده، در جهان واقعی وجود ندارد. ملا هبت‌الله اعلام کرده که او و طالبانش موفق شده‌اند نظام اسلامی را حاکم و شریعت را اعلام و تطبیق کنند. او نتایج آن تطبیق شریعتش را نیز برشمرده و از جمله ادعا کرده است که استقلال کشور تأمین شده، وحدت ملی تحکیم گردیده و تعصبات قومی، زبانی و سمتی از میان برده شده‌اند. او مدعی است که کشور را به خودکفائی اقتصادی رسانده، حقوق زنان را اعاده کرده و آنان را از ستم‌هایی چون ازدواج اجباری نجات داده است.

آنجا باید سرزمین عجیبی باشد. اما او حاکم سرزمین ناشناخته و کشف‌نشده نیست که سخنانش را از سر کنجکاوی جدی بگیریم. او حاکم افغانستان است؛ جایی که تعدادی ملای بدوی در رأس اداره نشسته و با بستن مکتب، منع آزادی‌ها، سرکوب منتقدان، شکنجه و آزار مخالفان و محاکمه‌های صحرایی مردم را به ستوه آورده‌اند. انسان‌ها در سراسر جهان با شنیدن نام آن سرزمین به یاد عقب‌ماندگی، گرسنگی و خشونت باورنکردنی می‌افتند. چگونه است که از چنان امارت سراسر ترس و گرسنگی، پیام خلاف واقع و آشکارا دروغ با نام خدا و آیات و احادیث پیچانده شده و با تکبر بسیار، خطاب به همه مسلمانان جهان و افغانستان صادر می‌شود و در پایانش حتا نصیحتی به ساکنان خاورمیانه و افریقا نیز درج می‌گردد؟

او احتمالاً در میان کوت سلاح‌های باقی‌مانده از عساکر خارجی، کندک‌های انتحاری، مبالغی که آشکار و پنهان از منابع استخباراتی به اداره‌اش تزریق می‌شود و پول‌هایی که با عشر و زکات و مالیات از دهان مردم گرسنه می‌قاپند و نیز مبالغی که از فروش تریاک و قاچاق و اخاذی‌ها به خزانه امارتش می‌ریزد، دچار توهم قدرت شده و برآستی فکر می‌کند به «امارت» مسلمانان رسیده و دوره‌ای را در تاریخ افغانستان و دنیای اسلام آغاز کرده است. او شاید درک چندانی از

پیچیدگی و ابعاد مادی و معنوی جهان امروز ندارد و نمی‌داند که گروه ویرانگرش نه از نظر نظامی، نه از لحاظ اقتصادی و نه از جهت ظرفیت‌های مسلکی در حدی است که بیشتر از یک نیروی مزدور و جنگجویان قراردادی جدی گرفته شوند و کل بودجه سالانه امارتش در حد عواید باندهای تبهکار متوسط است و برخی شرکت‌ها در همین منطقه ما بیش از تعداد جنگجویان او معاش‌بگیر دارند، چه رسد به دولت‌ها و نظام‌هایی که او مدعی خلق بدیل برای آنهاست.

این توهم قدرت و حق حاکمیت در زمان جمهوریت نیز گریبان حاکمان را گرفته بود. در آن زمان نیز گروهی از زورمندان حاکم پشت دیوارهای سمنی و در محاصره موتراهای تعقیبی و عساکر تا دندان مسلح چنان غره شده بودند که پادشان رفته بود بدون حمایت دیگران قادر به تمویل معاش عساکر، تهیه تیل موتر و پرداخت بل‌های برق دفاتر خود نیستند. آنان فراموش کرده بودند که تعامل و تماس سازنده با جهان از یک سو و مذاکره و مشوره با مردم از سوی دیگر، برای بقای خودشان و کل نظام چه قدر حیاتی بود.

ملا هبت‌الله بسیار متوهم‌تر از آنان، از عینیت‌ها بریده است. در امارت او مذاکره و مشوره با مردم، رأی‌گیری و نظرخواهی، قانون و قرارداد اجتماعی معنا ندارند و برای مردم نقشی جز فرمان‌بری و اطاعت قایل نیستند. در امارت او دولت‌داری گونه‌ای از موعظه است و فاصله میان گفتن و ساختن وجود ندارد. چون امیر طالبان دستور می‌دهد که نظام اسلامی حاکم شود، پس نظام اسلامی حاکم است. چون او موعظه می‌کند که خودکفائی اقتصادی باشد، پس اقتصاد خودکفاست و چون او می‌نویسد که تبعیض پایان یابد، پس پایان‌یافته حسابش کنید.

اما دولت‌داری و حیات اجتماعی پدیده‌های مجرد ذهنی نیستند که با موعظه و خیال‌پردازی بتوان شکل داد و اصلاح کرد. دیری نخواهد گذشت که ملا هبت‌الله نیز از حباب توهماتش به بیرون پرتاب شود و امارت خیالی‌اش فرو ریزد.